



آرمان رهبری این بار محقق می شود

حسن ابراهیمزاده

حرکتی اصیل و برخاسته از مساجد و حسینیه‌ها را آغاز و انقلاب اسلامی را رقم زدند. در آستانه پیروزی انقلاب، بازرگان و دوستان او توانستند خود را به مصادر امور نزدیک سازند و علی‌رغم میل قلبی امام خمینی^(ع) و بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، بر کرسی دولت موقت تکیه بزنند. بازرگان برخلاف توصیه امام خمینی^(ع)

مهندس مهدی بازرگان، رئیس دولت موقت ایران را می‌توان مولود فضای باز سیاسی خواند که دمکرات‌های آمریکا برای جلوگیری از هرگونه انقلابی او را به رژیم شاه دیکته کردند. فضای به اصطلاح باز سیاسی، سفره‌ای بود برای نیروهای ملی، مذهبی تا روحانیت انقلابی و مردم بود. در این فضا مردم با رهبری روحانیت انقلابی

تفرقه افکنانه بنی صدر موجب شد تا امام خمینی علیه السلام تمام تلاش خود را به کار بگیرد تا او از مسیر اصلی نظام و خطوطی که قانون ترسیم کرده بود، خارج نشود و حتی با بیان این که «رئیس جمهوری از خود شماسست و همه خدمتگزار به این ملت هستند»^۲ در حفظ و نگهداری او کوشید اما جنبه های شخصیتی او چون خودشیفتگی، روحیه خودمحوری بر او، شخصیت دیگری را رقم زد. او به جای خدمت به مردم و جلوگیری از پیش روی نیروهای بعثی، ارتش را از دادن مهمات به سپاه و بسیج برحذر می داشت، اما در مقابل زمینه مسلح شدن عناصر سازمان منافقین را فراهم ساخت. بنی صدر بدون هیچ کارنامه ای خدمت به مردم، پس از رأی عدم کفایت از ریاست جمهوری توسط مجلس شورای اسلامی و عزل او توسط امام خمینی علیه السلام با مسعود رجوی در چهره و لباس زنانه به فرانسه گریخت.

دولت محمدعلی رجایی را می توان اولین دولتی نامید که در



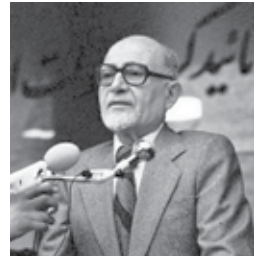
جمهوری اسلامی، بنای خدمت به مردم را داشت. رجایی برخلاف بازرگان و بنی صدر مولود متن مردم و قشر مستضعف جامعه بود. او فردی متعبد، مبارز، عاقل و معتقد به مبانی دینی و انقلابی بود. مردم زخم خورده از نظام ستم شاهی و ناامید از دو دولت

قبل، برای گره گشایی از مشکلات خود به دولت رجایی، امیدوار بودند. امام خمینی علیه السلام در روز تنفیذ حکم ریاست جمهوری، او را چنین خطاب کرد: «اگر نبودند این مردم، شما هم شاید حالا در حبس بودید و آن زجرها را می کشیدید و دیگران هم که متعهد بودند، آن ها هم در حبس بودند» یا در جاهای دیگر می گویند: «این ملت حق دارد، دست شما را گرفته آورده این بالا نشانده، شما باید خدمت کنید به این مردم، شما، ما همه باید خدمتگزار این ها باشیم». «... آقای رجایی به حسب آن روحیه ای که دارند، این مقام، ایشان را بازی ندهد، شما سوار مقام بشو، مقام، سوار شما نشود، این دو تا مثل راکب و مرکوبند».^۳

ساعت ۳ بعد از ظهر هشتم شهریور ۱۳۶۰، نظام سلطه که آغاز خدمتگزاری در قوه مجریه را بر نمی تافت برگی دیگر از خط نفوذ خود را به نام کشمیری رو کرد و ایران و انقلاب اسلامی را در سوگ رئیس جمهوری و نخست وزیر مؤمن و انقلابی نشانده و عملاً نگذاشت مردم طعم شیرین محرومیت زدایی را در آن مقطع بچشند.

آیت الله سیدعلی خامنه ای را می توان اولین رئیس جمهور برخاسته از مکتب، متن مردم و حوزه های علمیه خواند که ویژگی شاگردی امام و مبارزه با رژیم را در کنار آن ویژگی های منحصر به فردی نیز به همراه داشت.

در حکم نخست وزیری که فرموده بودند: «بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص»^۱، کابینه را تشکیل دهد. بازرگان کابینه خود را با وابستگان نهضت آزادی، جبهه ملی و «جاما» تشکیل داد و با طرح «دوگانگی در قدرت» که بعدها توسط «دولت اعتدال» و شخص



ظریف مطرح شد. دولت بازرگان به جای خدمت رسانی به مردم، به دنبال حذف روحانیت و ارتباط با آمریکا بود و با عدم توجه به این که این امر موجب ایجاد تغییر در ساختار اداره کشور می شود، محرمانه با برخی دولتمردان آمریکا وارد مذاکره شد. متأسفانه رویکرد و عملکرد این دولت در گام اول انقلاب الگویی برای دولت اعتدال در پایان این گام شد، تا جایی که برخی عناصر دولت موقت به صراحت به تمجید از دولت اصلاحات پرداختند. دولت بازرگان بدون در نظر گرفتن مشکلات واقعی مردم و رفع محرومیت، تمام تلاش خود را تنها معطوف به نزدیک تر کردن ایران با آمریکا کرد و یک روز پس از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ روز اشغال لانه جاسوسی آمریکا استعفا داد.

دکتر ابوالحسن بنی صدر در آستانه پیروزی انقلاب، فرانسه را به قصد ایران ترک کرد و در همان ماه های نخست انقلاب با نگارش مقالات اقتصادی در روزنامه های کثیرالانتشار، خود را به عنوان روشنفکری برخاسته از خاندان علم و منجی اقتصاد ایران معرفی



نمود. ریاست جمهوری او مولود ارتباطات وی در پاریس با برخی انقلابیون در زمان حضور امام خمینی علیه السلام در شهر پاریس و ائتلاف نیروهای لیبرال با جریان خط ۳ و هماهنگی های برخی در تهران با اعضای بیت آقای منتظری و بیت آقای طاهری اصفهانی، برشمرد. خطی که بعدها در به قدرت رساندن سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور، نیز نقش کلیدی را ایفا کرد، بنی صدر نیز چون نخست وزیر دولت موقت به محض تکیه زدن بر کرسی قدرت به جای رسیدگی به امور کشور، وقت و نیروی خود را صرف رویارویی با عناصر خط اصیل امام و نهادهای انقلابی چون سپاه و کمیته های انقلاب کرد. این سیاست در دولت شخص آقای خاتمی نیز دنبال شد و در دولت سازندگی نیز توسط همان جریان، جهاد سازندگی و کمیته ها حذف شدند و از قدرت نمایندگان ولی فقیه در استان ها کاسته شد. ناکارآمدی بنی صدر در اداره کشور، همانند دولت موقت، بود و ناکارآمدی تا بدانجا بود که نزدیک بود به واسطه ضعف و تسامح آن دولت، کردستان را از دست بدهد. او نیز با ایجاد تقابل بین ارتش و سپاه آن هم در دوره جنگ می رفت تا با نقشه گزینری خود!! تمام خوزستان را دو دستی تقدیم رژیم بعث نماید. حرکت های

روز چهاردهم مهرماه رسانه‌های جمعی، او را با کسب ۱۶ میلیون و ۸ هزار و ۵۷۹ رأی از مجموع ۱۶ میلیون و ۸۴۷ هزار و ۷۱۷ رأی با اکثریت مطلق آراء پیروز سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند.^۱ آیت‌الله خامنه‌ای بالاترین رأی نسبت به جمعیت و رقبای دیگر در طی تمام ادوار انتخابات را به خود اختصاص داد. امام خمینی علیه السلام در روز تنفیذ حکم، سخنان خود را با آیه شریفه «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲ آغاز کردند و فرمودند: «خداوند متعال بر ما منت نهاد که افکار عمومی را برای انتخاب رئیس‌جمهوری متعهد و مبارز، در خط مستقیم اسلام و عالم به دین و سیاست هدایت فرمود».^۳ از همان آغاز برای آنانی که با بصیرت لازم حوادث را دنبال می‌کردند معلوم شد که جریانی بر آن است تا آیت‌الله خامنه‌ای به اهداف و سیاست‌های مورد نظر خود که همان اهداف و سیاست‌های امام خمینی علیه السلام بود، جامه عمل نپوشاند. این جریان توانست نظام را در محذوراتی قرار دهد که در آن دوران سخت، حتی خواص هم، به آن تن دادند.

پس از رأی ندادن مجلس شورای اسلامی - که مجلسی انقلابی هم به شمار می‌رفت!! - به علی‌اکبر ولایتی، گزینه اول نخست‌وزیری از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، گزینه دوم؛ مهندس غرضی، در تماس تلفنی از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی مبنی بر رأی نیاوردن آن در جلسه نظرخواهی اولیه نمایندگان!! نیز نام مهندس غرضی هم به عنوان نخست‌وزیر، خط خورده شد و سرانجام گزینه میرحسین موسوی که مورد حمایت طیف خط ۳، بیت آیت‌الله منتظری و... بود با رأی شکنده ۱۵ موافق در مجموع ۲۰۲ رأی مأخوذه بر جایگاه نخست‌وزیری تکیه زد. رویکرد و عملکرد میرحسین موسوی در طول نخست‌وزیری خود، به گونه‌ای بود که چندین وزیر او و حتی افرادی از فرماندهان سپاه هم به دلیل عدم حمایت دولت استعفا دادند!!

همین عملکردها موجب شد که آیت‌الله خامنه‌ای در دور دوم حاضر به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نشود، اما با امر امام خمینی علیه السلام بار دیگر در صحنه حاضر و پیروز میدان انتخابات شد. آیت‌الله خامنه‌ای تنها به توصیه امام، میرحسین موسوی را بار دیگر برای پست نخست‌وزیری به مجلس شورا معرفی کرد. تحمیل میرحسین بر امام و آیت‌الله خامنه‌ای تنها و تنها به خاطر فضا سازی‌های برخی در داخل و خارج از مجلس بود. کنار رفتن میرحسین در آن مقطع حساس جنگ، موجب نوعی انشقاق در امور اجرایی کشور می‌شد. در دوران ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای قدرت اجرایی در دست نخست‌وزیری بود. علی‌رغم این مانع، ایشان تمام تلاش خود را برای پیاده کردن رهنمودهای امام و بسط و گسترش فرهنگ اسلامی و انقلابی در راستای رسیدن مردم به آنچه حق آنان بود معطوف کردند. اما هرگز نتوانست آرمان‌های یک رئیس‌جمهوری انقلابی را به خاطر محدودیتی که در قانون اساسی قبل از بازنگری، مبنی بر وجود نخست‌وزیر ایجاد کرده و عملاً رئیس‌جمهور خلع‌ید بود و همچنین تصمیم‌سازی‌های برخی در تحمیل برخی افراد به نظام، پیاده سازد. به جرأت می‌توان گفت

اگر خط نفاق و سازش، رجایی را به شهادت رساند، همان خط با واسطه و بی‌واسطه توسط برخی افراد، آگاهانه و یا ناآگاهانه عملاً آرمان‌های آیت‌الله خامنه‌ای را در قوه مجریه به شهادت رساند.

پس رحلت حضرت امام خمینی در خرداد ۱۳۶۸ و آغاز رهبری امام خامنه‌ای، خط نفوذ که در این اندیشه بود که با رحلت حضرت امام علیه السلام می‌تواند به فعالیت‌های خود ادامه دهد و تلاش داشت که انقلاب را با نفوذ به‌ویژه قوه مجریه به انحراف بکشد. از این رو قوه مجریه نتوانست در جایگاهی اصل با فرع و برجسته کردن برخی از سیاست‌ها و رویکردها و کم‌رنگ کردن و حتی نادیده گرفتن اولویتهای نخست نظام و مطالبات اصلی مردم، نگذاشت مردم به جایگاهی که در شأن یک نظام اسلامی و انقلابی باشد، برسند. خط نفوذ اعم از نفوذ فردی و یا نفوذ جریانی غرب‌گرایان، توانست دولت‌های آقایان هاشمی رفسنجانی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی را در مسیری قرار دهد که گاه حتی نظام را با چالش‌های جدی روبروی ساخت. اما هدایت‌های پیامبرگونه آیت‌الله خامنه‌ای موجب نجات انقلاب از لبه‌ی پرتگاه شد. خط نفوذ غرب‌گرایان تا جایی پیش رفت که دولت اعتدال، اوج ناکارآمدی و گسست از مردم را به نمایش گذاشت. خوشبختانه شعارهای برخی از نامزدهای انتخابات در اجرایی کردن آرمان‌ها و مطالبات امام و رهبری و مردم مؤمن و انقلابی در خرداد ۱۴۰۰ بار دیگر بارقه امید را در دل جامعه‌ی ایران زنده کرده است. اما متأسفانه همان خط نفوذ و سازش که به جای رسیدگی به امور اصلی و بر زمین مانده، به دنبال بازی‌های سیاسی بوده و هست و در پی آن بوده و است که در گام نخست مانع از روی کار آمدن یک فرد مؤمن و انقلابی بر جایگاه ریاست قوه مجریه شود و اگر چنین فردی پیروز میدان انتخابات شد، در گام دوم با همان سازوکارهای سیاسی و فضا سازی‌ها حتی در داخل مجلس و خارج آن، مانع از تحقق آرمان‌های امام و رهبری و مطالبات مردم شوند. اما این بار مردم به‌ویژه جوانان انقلابی و مجلس انقلابی به همراه هم، با بازخوانی انقلاب در گام اول و عبرت گرفتن از تجربه‌های تاریخی برآنند در گام دوم انقلاب تاریخ تکرار نشود و با رأی دادن به مولود مکتب و انقلاب و نماینده واقعی مردم شکل‌گیری «دولت اسلامی» را محقق سازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. همان، ج ۶، ص ۵۴
۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۱۸
۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۷۶
۴. ر - ک - روزنامه اطلاعات، ۱۴/۷/۱۳۶۰
۵. بقره، ۱۰۶.
۶. صحیفه امام خمینی، ج ۱۵، ص ۲۷۹